

دانشنامه جهان اسلام ت

تکثیر - تیه

(۸)



پرویشگاه علوم ازینفرد و مطالعات فرهنگی

غلامعلی حداد عادل

پرتال جامع علوم انسانی

سازش

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۸۳



دانشنامه جهان اسلام

جلد هشتم

چاپ اول: ۱۳۸۳ / تعداد ۵۰۰۰ نسخه

حروف نگاری و صفحه‌آرایی: بنیاد دایرة المعارف اسلامی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت افست (سهامی عام)، لیتوگرافی تصاویر: تیرازه

تهران - خیابان فلسطین، شماره ۱۳۰، شماره پستی ۱۴۱۶۶، صندوق پستی ۱۱۳۶۵۳۸۸۵، نمابر ۸۹۶۹۲۰۱

این کتاب با تسهیلات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و منتشر شده است.

همه حقوق برای بنیاد دایرة المعارف اسلامی محفوظ است.

قیمت: ۱۲۰۰۰۰۰ ریال

دانشنامه جهان اسلام / زیر نظر غلامعلی حدادعادل - تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ -
پروژه: مطالعات فرهنگی (مصور بخشی رنگی)

ISBN:964-447-009-5 (v.8)

ص.ع. به انگلیسی:

Encyclopaedia of the world of Islam (in Persian)

کتابنامه

۱. اسلام - دایرة المعارفها. ۲. کشورهای اسلامی - دایرة المعارفها. ۳. ایران - دایرة المعارفها. ۴. تمدن اسلامی - دایرة المعارفها. ۵. فرهنگ اسلامی - دایرة المعارفها. الف. حدادعادل، غلامعلی، ۱۳۲۴ - ب. بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

۲۹۷/۰۳

BP/۵/۲/۵۲

مینژه ربیعی	توران‌شاه (۲)	توبقایی سرای - طوبقایی سرای
مینژه ربیعی	توران‌شاه (۳)	توپ مروارید
باقر قربانی زرن	توریکه	توت
لیلی کریمیان	توزیشتی	توتکابن
رحیم مسلمانیان قبادیانی	تورسون‌زاده	توتون - دخانیات
	تورغای - طورغای	توتیا
س. سوچک (د.اسلام)	تورفان	توثیق - جرح و تعدیل
محمدرضا پورجعفری	تورگیولی	توّج
ا. ساویدس (د.اسلام)	تورنبرگ	التوحید
مریم ارجح	تورنگ تپه	توحید
طهمورث ساجدی	تورویانا	(۱) واژه
سیدعلی موسوی	توروس	(۲) در قرآن و تفسیر
محمدآصف فکرت	تؤزیه	(۳) در حدیث
وحید ریاحی	توریه (اصطلاحی در علم بدیع) - ایهام	(۴) در کلام
سیدرضا هاشمی	توّز - توّج	(۵) در فلسفه
	توزر	(۶) در عرفان
ت. بشروش (د.اسلام)	توزوک	توحید، سوره - اخلاص، سوره
رمضان هداوند	توس - طوس	توحیدخانه
محمدصدیق اسلامیان	توسعه	توحید شیرازی
	(۱) مباحث نظری	توحید مفضل
جواد حسن پور	(۲) آرا و دیدگاهها در جهان اسلام	توحیدی، ابوحنّان - ابوحنّان توحیدی
	(۳) تجربه توسعه سیاسی در جهان اسلام	تودد - هزار و یکشب
گروه اسلام معاصر	الف) کلیات	تودزیل
	ب) کشورهای اسلامی غیر عرب زبان	تودری - قدومه
مقصود رنجبر	ج) جهان عرب	تودشک
عبدالقادر سوازی	(۴) تجربه توسعه اقتصادی در جهان اسلام	تودمیر - ترضیه
	الف) ایران	توده، حزب - حزب توده ایران
۱. دوران قاجار و پهلوی محمدرضا معینی		تورات
۲. جمهوری اسلامی		(۱) مرورکلی
عبدالقادر سوازی	ب) جهان عرب	(۲) در سنت اسلامی
عباس یزدانی	ج) ترکیه	توراکینا خاتون
علی فکری	د) جنوب شرق آسیا	توران
سیدحسین میرجلیلی	توسعه اسلامی، بانک	توران پستی - توزیشتی
		توران‌شاه (۱)
		تورسون فردنگی
		بهمن مؤذن فردوسی و
		مستوره خضرای
		غسرو خسروی
		هوشنگ اعلم
		غسرو خسروی
		حسین هوشنگی
		حسن طارینی
		جليله علم الهدی
		فاطمه فنا
		نگار ذیلابی
		مینژه ظفرآبادی
		پرویز سلمانی
		م. اطهرعلی (د.اسلام)، با
		اضافاتی از محمد مهدی
		توسلی
		محمد مهدی توسلی
		فرزانه ساسان پور
		ابراهیم موسی پور
		اسماعیل باغستانی
		شهاز رازپوش
		بهمن سرکارانی
		مینژه ربیعی

۲. **جمهوری اسلامی.** در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتهای اقتصادی کشور را کد شد. این رکود در شش ماهه دوم ۱۳۵۷ ش، در جریان انقلاب، به دنبال اعتصاب عمومی و توقف بسیاری از فعالیتهای اقتصادی، بیشتر شد. پس از پیروزی انقلاب، با بروز مشکلات جدید (از قبیل مسدود شدن ذخایر ارزی کشور، تحریم اقتصادی و بروز جنگ تحمیلی)، جمهوری اسلامی با مشکلات پیچیده اقتصادی مواجه گردید. این مشکلات و فقدان برنامه اقتصادی مشخص طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ ش، موجب گردید که به رغم تلاشهایی که شده، فعالیتهای اقتصادی در مقیاس مطلوبی گسترش نیابد (→ ادامه مقاله).

خروج سرمایه طی دوران انقلاب نیز مشکلات تولید و سرمایه‌گذاری را تشدید کرد. یکی از حادترین مشکلات دولت پس از پیروزی انقلاب، احیای فعالیتهای صنعتی بود. مشکلات بخش صنعت در سالهای پس از انقلاب، عمدتاً ناشی از وابستگی آن به خارج در دوره قبل از انقلاب بود. با اعطای معافتهای گمرکی و دیگر امتیازات خاص و توزیع نامعقول اعتبارات، رشته‌ای از صنایع عمدتاً وابسته و مونتاژ ایجاد شده بود و غالباً سرمایه‌گذاری برای تولید کالاهای مصرفی، با استفاده از فناوری خارجی و تهیه مواد اولیه از بازارهای انحصاری، انجام می‌گرفت. با توجه به وابستگی بیش از حد بخش صنعت به خارج، طبیعی بود که بعد از انقلاب این رشته از فعالیتهای اقتصادی کشور دچار بحران و رکود گردد. مهاجرت شماری از سرمایه‌داران و نیز مدیران وابسته به حکومت گذشته به خارج، خروج غیرقانونی سرمایه از کشور، بدهیهای کلان شرکتها و کارخانه‌ها به نظام بانکی، محدودیت در تهیه مواد اولیه و قطعات بدکی از خارج به سبب مشکلات ارزی کشور، از عوامل مؤثر در بروز این بحران بودند. رشد سریع جمعیت نیز یکی از عوامل تشدیدکننده مشکلات در سالهای پس از انقلاب بود (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیهای اقتصادی، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۴-۱۹).

از اواخر ۱۳۵۸ ش، جمهوری اسلامی ایران تحت تحریمهای اقتصادی امریکا قرار گرفت. این تحریمها از ممنوعیت فروش تسلیحات امریکایی و انتقال فناوری به ایران آغاز شد و به تحریم کامل سرمایه‌گذاری و تجارت دو جانبه رسید. حتی شرکتهایی هم که در بخش نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند، تحریم می‌شدند و بسیاری از قراردادهای دو جانبه نفتی و گازی، چه از نوع سرمایه‌گذاری و چه از نوع انتقال فناوری، بر اثر تهدیدات امریکا لغو شد. این تحریمها عملاً سبب شد که دستیابی به رونق اقتصادی دشوارتر شود. در عین حال،

موازنه ارزش کل واردات و صادرات، بدون مواد نفتی، شدت سیر منفی پیدا کرد. به طوری که از ۶۲۵۰۰۰۰ ریال در این سال به ۴۰۸۸۲۷۰۰۰ ریال در ۱۳۵۳ ش رسید (همان، ص ۲۳۲). در آستانه انقلاب اسلامی، اگرچه اقتصاد ایران دو دهه رشد سریع و توسعه اجتماعی را پشت سر گذاشته بود، این رشد ناموازن بود. در این دوره، اقتصاد ایران تغییر ساختار داد و به سمت اقتصاد مدرن پیش رفت که همه این موارد به سبب افزایش درآمدهای نفتی و اقتصاد تک محصولی بر پایه نفت بود (موزگار، ص ۴-۳).

منابع: حسین آسایش، *سیمای اقتصادی ایران در برنامه سوم و چهارم عمرانی کشور*، تیریز ۱۳۵۵ ش؛ احمد اشرف، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران ۱۳۵۹ ش؛ ایران، قانون برنامه عمرانی اول، قانون برنامه عمرانی اول (۱۳۳۴-۱۳۳۷)، در پاس، مکتبهد، برنامه‌ریزی در ایران: بر اساس تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران در تهیه برنامه عمرانی سوم، ترجمه علی اعظم محمدیگر، تهران ۱۳۸۰ ش؛ ایران، قانون برنامه هفت ساله دوم عمرانی کشور، قانون برنامه هفت ساله دوم عمرانی کشور (۱۳۳۴-۱۳۳۹)، در همان منبع؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *دوره بررسیهای اقتصادی*، نگاهی به عملکرد برنامه‌های عمرانی در ایران، تهران ۱۳۶۷ ش؛ محمدعلی جمان‌زاده، *گنج شایگان، با اوضاع اقتصادی ایران*، برلین ۱۳۳۵، چاپ اگست تهران ۱۳۶۲ ش؛ انورخامه‌ای، *اقتصاد بدون نفت: ابتکار بزرگ دکتر مصدق*، تهران ۱۳۷۵ ش؛ ابراهیم زلفی، *اقتصاد ایران*، تهران ۱۳۶۷ ش؛ الف، *همو، بازسازی و توسعه اقتصادی ایران*، ۲: تصویر از اقتصاد کنونی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۳، ش ۳ (دی ۱۳۶۷)؛ همو، *بازسازی و توسعه اقتصادی ایران*، ۳: الگوی توسعه اقتصادی ایران قبل و بعد از انقلاب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۳، ش ۴ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷)؛ سازمان برنامه و بودجه، *برنامه پنجم عمرانی کشور (تجدید نظر شده)*، ۱۳۵۲-۱۳۵۴، خلاصه، تهران ۱۳۵۳ ش؛ احمد سیف، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران ۱۳۷۳ ش؛ محمدعلی کاتوزیان، *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نجفی و کامبیز عزیزی، تهران ۱۳۷۲ ش؛ مرکز آمار ایران، *بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران پرافتخار دودمان پهلوی*، تهران ۱۳۵۵ ش؛ مصطفی وطن‌خواه، *همو، سالنامه آماری کشور*، ۱۳۷۸، تهران ۱۳۷۹ ش؛ ابوالقاسم نادری، احمد آخوی، و شیرین حکیمی، *بررسی مسائلی و مشکلات صادرات غیرنفتی*، تهران ۱۳۶۹ ش؛ موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران، تهران ۱۳۸۰ ش؛ Jahangir Amuzegar, *Iran's economy under the Islamic Republic*, London 1997; Julian Bharier, *Economic development in Iran 1900-1970*, London 1971; Charles Issawi, *The economic history of Iran: 1800-1914*, Chicago 1971.*

گزارشهای صندوق بین‌المللی پول^۱، بانک جهانی^۲ و برنامه توسعه ملل متحد^۳ نشان می‌دهد که به‌رغم تحریمهای آمریکا، اقتصاد ایران پیشرفت کرده است (به همان، ص ۹۵؛ آموزگار، ۱۹۹۷، ص ۱۸۵، ۱۹۲؛ نیز به تحریم*).

نخستین تلاش کشور برای تهیه برنامه توسعه، در دی ۱۳۶۰ صورت گرفت. در این زمان شورای اقتصاد، طرح پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه در مورد نظام برنامه‌ریزی کشور را پس از اصلاحاتی، به تصویب رساند. در این طرح از چگونگی تدوین یک برنامه بلندمدت بیست ساله تا تعیین طرحهای اجرایی سالانه بحث شده بود. در نظام پیشنهادی، ارتباط متقابلی میان سطوح مختلف برنامه‌ریزی و جریان اطلاعاتی از سطوح پایین برنامه‌ریزی به بالا و برعکس، طراحی شده بود و شامل دورنمای اقتصادی کشور، برنامه‌های میان مدت پنج ساله، طرحهای ملی و برنامه توسعه امتناها و توسعه بخشهای مختلف اقتصادی بود. بر این اساس، در تیر ۱۳۶۲، دولت برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲-۱۳۶۶ ش) را تصویب کرد و نخست‌وزیر وقت، میرحسین موسوی، لایحه آن را به مجلس شورای اسلامی داد، لیکن این لایحه به تصویب نرسید. برخی از دلایل رد آن عبارت بود از: تقریبی و آرمانی بودن بخشی از ارقام برنامه؛ مشخص نبودن مصارف کشور به سبب وجود شرایط جنگی؛ آمار و اطلاعات غیردقیق در مورد بخشها؛ ناهماهنگی میان برنامه‌های بخش؛ و نبودن یک راهبرد دقیق و مشخص بر اساس واقعیتها و امکانات و منابع و شرایط کشور (سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، ص ۳۷-۴۰؛ آموزگار، ۱۹۹۷، ص ۱۲۶-۱۲۸).

از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ ش، متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ایران ۲٫۴-٪ بود. تولید ناخالص داخلی طی ۱۳۶۱-۱۳۶۴ ش، به سبب افزایش بهای نفت خام، روندی صعودی داشت اما از اواخر ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ ش، به سبب کاهش شدید قیمت جهانی نفت، اقتصاد ایران در وضع دشواری قرار گرفت. دولت وقت برای غلبه بر مشکلات و تداوم پشتیبانی جنگ، برنامه‌ای اضطراری طرح کرد. این برنامه بر اساس محدودیتهای ارزی تنظیم شد و محور اصلی آن، تنظیم فعالیتهای منظور رفع مشکلات ناشی از کمبود منابع بود و رویکردی توسعه‌نگر نداشت. هدفهای عمده این برنامه، تأمین کلیه نیازهای جنگ تحمیلی، تأمین حداقل نیازهای معیشتی جامعه و کوشش برای نظارت و مهار کردن سطح عمومی قیمتها و تداوم اصلاح ساختار اقتصادی کشور بود (بانک مرکزی جمهوری اسلامی

ایران، ص ۲۲؛ سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، ص ۴۴؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اداره کل روابط عمومی، ص ۳۰).

خسارت‌های ناشی از جنگ تحمیلی، سبب تخریب بخشی از ذخایر سرمایه‌ای کشور، عدم سرمایه‌گذاریهای جانشین، به‌کارگیری بخشی از عوامل تولید در خدمت جنگ و تخصیص بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی کشور به پشتیبانی امور جنگ و قرارگرفتن بخش اعظم مدیریت و نیروی انسانی کشور در خدمت جنگ شد که هرگونه برنامه‌ریزی کلان اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار می‌داد. کاهش قیمت نفت و بی‌ثباتی آن و کاهش درآمد ارزی حاصل از صدور نفت، از جمله مسائل بحرانی دهه ۱۳۵۸-۱۳۶۷ ش بود. از ویژگیهای دیگر این دهه، فقدان برنامه‌ای مشخص برای مدیریت اقتصاد بود. فعالیتهای بخشهای مختلف اقتصادی، تابع عواملی چون جنگ و درآمد نفت بود و فعالیتهای دولت به علت کمبود منابع و امکانات، در بخشهای کمتر مولد و فعالیتهای بخش غیردولتی نیز به سبب مدیریت نادرست، در بخشهای غیرمولد متمرکزتر گردید (سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، ص ۴۱-۴۳).

رشد شتابان جمعیت کشور و بالا رفتن نسبت جمعیت جوان به کل جمعیت، باعث رشد سریع جمعیت نیازمند آموزش (از ۷٫۳۹۱ میلیون تن در ۱۳۵۶ ش به ۱۲٫۳۵۰ میلیون تن در ۱۳۶۷ ش) شد که این عواقب را در پی داشت: تنگنای فضاهای آموزشی و عدم تسهیلات متناسب برای آموزش، عدم به‌کارگیری نیروی جوانان در جهت توسعه از طریق ایجاد اشتغال، افزایش بیکاری، و فقدان امکانات رفاهی. تداوم سیاست عرضه ارزان کالا و خدمات به قصد حمایت از قشرهای محروم و کم درآمد جامعه، تولید داخلی را تحت فشار قرار داد، به طوری که نه تنها هیچگونه مزاد تولیدی برای توسعه ظرفیتهای نمی‌گذاشت، بلکه بعضاً جبران استهلاک سرمایه را نیز با مشکل مواجه می‌ساخت (همانجا؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اداره کل روابط عمومی، ص ۲۱۸-۲۲۱).

از ۱۳۶۱ ش تا پایان جنگ (۱۳۶۷ ش) ارزش افزوده گروه کشاورزی به قیمتهای ثابت، به جز سال ۱۳۶۷ ش، رشد مداوم داشت، لیکن این رشد جوابگوی نیاز کشور نبود و ایران واردکننده محصولات زراعی و دامی بود. بخش صنایع دارای نوسان بود؛ در برخی سالها (۱۳۶۱-۱۳۶۳ ش) رونق و در برخی دیگر (۱۳۶۴-۱۳۶۵ ش) رکود شدیده داشت. کاهش ارزش

1. International Monetary Fund (IMF)

2. World Bank

3. United Nations Development Program (UNDP)

جنگ تحمیلی بود. همچنین صادرات غیرنفتی پنج برابر شد (ایران. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۹-۴۰؛ سازنان برنامه و بودجه. معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، ص ۵۲؛ آموزگار، ۱۹۹۷، ص ۱۲۸-۱۳۰).

از جمله تحولات اقتصادی و اجتماعی در طول برنامه اول، کاهش سریع رشد جمعیت بود؛ پیش از شروع برنامه نرخ رشد جمعیت سالانه ۳٫۳٪ بود که در پایان برنامه به ۲٫۲٪ کاهش یافت (امیراحمدی، ص ۹۸). نسبت ۱۰٪ (دهک) مرفه‌ترین به ۱۰٪ فقیرترین در مناطق شهری و روستایی طی دوره ۱۳۶۲-۱۳۶۷ ش، با حرکتی نوسانی در حال کاهش بوده است، به طوری که شاخصهای یاد شده بترتیب از ۱۹٫۵ و ۲۰٫۷ در ۱۳۶۲ ش به ۱۸٫۱ و ۱۹٫۶ در ۱۳۶۷ ش کاهش یافته است. توزیع یارانه کالاهای اساسی از جمله عوامل مؤثر این کاهش بوده است.

در برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲ ش) نسبت ۱۰٪ مرفه‌ترین دهک به فقیرترین دهک در مناطق شهری کشور از ۱۹٫۱ در ۱۳۶۸ ش به ۱۴٫۹ در ۱۳۷۲ ش کاهش یافته، اما برای مناطق روستایی از ۲۲٫۱ در ۱۳۶۸ ش به ۲۵٫۹ در ۱۳۷۲ ش افزایش یافته است (ربع قرن نشیب و فراز، ص ۸۴-۸۶).

سازمان برنامه و بودجه در ۱۳۶۹ ش، برنامه تعدیل اقتصادی در چارچوب قانون برنامه اول را عرضه کرد. هدف از اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی، دستیابی به قیمتهای تعادلی در همه بازارها و حذف بازارهای دوگانه بود. شرط لازم برای ایجاد تعادل در بازار کالاها و خدمات، رسیدن به تعادل در بازار بود. دولت تصمیم داشت تا پیش از پایان یافتن برنامه اول (۱۳۷۲ ش)، قیمتهای تعادلی را در همه بازارها برقرار نماید. کاهش قیمت نفت در ۱۳۷۲ ش، موجب فشار شدید بر تراز پرداختهای خارجی و به سر رسیدن موعد بسیاری از تعهدات شد. در این اوضاع تداوم نظام نرخ برابری شناور امکان‌پذیر نبود. بنابراین، نرخ ارز ۱۷۵۰ ریال برای هر دلار آمریکا تثبیت شد و نظارت بر نرخ ارز، با تصمیمات اداری، مجدداً برقرار گردید (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸ ش، ج ۴، ص ۲۰؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. اداره کل روابط عمومی، ص ۳۷).

در ۱۳۷۲ ش، نظارتهای ارزی و پولی، سبب کاهش عدم تعادلها شد و کسری مالی دولت کاهش یافت و سیاستهای پولی انقباضی، رشد نقدینگی را از ۳۴٪ در ۱۳۷۲ ش به ۲۸٪ در ۱۳۷۲ ش کاهش داد. همچنین با انعقاد موافقتنامه‌های دو جانبه، بخش شایان توجهی از تعهدات خارجی سررسید شده به تعویق افتاد. از نقطه‌ضعفهای برنامه تعدیل اقتصادی، فقدان نظام

افزوده‌گروه صنایع در این دوره عمدتاً ناشی از موانع فتاوری، استفاده نکردن از ظرفیت تولید، مراقبت از قیمتها، سیاستهای ناهماهنگ وارداتی و فقدان انگیزه مشارکت بخش خصوصی بود. در این دوره اتکای شدید اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صدور نفت ادامه یافت (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۹-۲۳؛ نیز - جدول ۱ و نمودار ۲).

با پایان یافتن جنگ، اولین برنامه پنج ساله توسعه تهیه و در ۱۳۶۸ ش به اجرا گذاشته شد. مهمترین اهداف برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲ ش) عبارت بود از: بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی و تأمین نیازهای ضروری آن؛ بازسازی و نوسازی ظرفیتهای تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده در طول جنگ در چارچوب اولویتهای برنامه؛ ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات عمده کشاورزی و مهار تورم؛ تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم؛ توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیتها متناسب با مزایای نسبی هر منطقه (ایران. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۵).

در برنامه اول، نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، به‌طور متوسط به ۷٫۳٪ رسید که اگرچه رشد متوسط ۸٫۱٪ برای آن پیش‌بینی شده بود، در مقایسه با نرخهای رشد در سالهای پس از انقلاب بی‌نظیر بود. بخش کشاورزی در مجموع به‌طور متوسط هر سال ۵٫۵٪ رشد کرد که ۰٫۵٪ کمتر از مقدار پیش‌بینی شده بود و بخش صنعت حدود ۱۲٪ رشد داشت که ۱۴٫۲٪ برای آن پیش‌بینی شده بود. در داخل گروه خدمات، بخشهای مؤسسات پولی و مالی و حمل و نقل و ارتباطات، از بالاترین میزان رشد، بترتیب ۱۰۵٪ و ۸۶٪، برخوردار شده بودند و نسبت تشکیل سرمایه از ۱۲٫۸٪ در ۱۳۶۸ ش به ۱۶٫۶٪ در آستانه برنامه دوم افزایش یافت. طی برنامه اول، سهم نفت در کل درآمدهای دولت از ۴۷٪ به ۷۳٫۲٪ افزایش یافت که عمدتاً نتیجه تغییر نرخ محاسبه ارز بود. صادرات غیرنفتی از حدود یک میلیارد دلار در ابتدای برنامه اول، بتدریج به ۳۷ میلیارد دلار در ۱۳۷۲ ش رسید (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸ ش، ج ۴، ص ۱۴-۱۵). نرخ رشد سریع سالهای ابتدایی برنامه، به‌سبب وجود ظرفیتهای استفاده نشده و استفاده از وام خارجی، به سهولت نسبی حاصل شد، لیکن با بهره‌برداری از ظرفیتهای موجود، ظرفیت‌سازی جدید بسیار پرهزینه می‌نمود که با کاهش درآمدهای نفتی در دو سال آخر برنامه و بحران بدهیهای خارجی، رشد اقتصادی را دشوارتر کرد. از دیگر موفقیتهای برنامه اول، بازسازی مناطق خسارت دیده در

جدول ۱ - مقایسه رشد متوسط سالانه در دوره‌های مختلف

ردیف	شرح	دوره				
		۱۳۴۷-۱۳۴۸ش	۱۳۷۷-۱۳۷۸ش	۱۳۷۸-۱۳۷۹ش	۱۳۷۹-۱۳۸۱ش	۱۳۸۱-۱۳۸۲ش (تاریخ تقریبی)
۱	گروه کشاورزی	۴٫۷	۶٫۴	۲٫۱	۴٫۶	۴٫۴
۲	گروه نفت و گاز	-۸٫۲	۸٫۹	-۱٫۳	۱٫۵	-۲٫۳
۳	گروه صنایع و معادن	-۰٫۸	۱۰٫۰	۵٫۱	۱۰٫۱	۳٫۸
۴	گروه خدمات	-۲٫۳	۶٫۵	۴٫۲	۴٫۳	۱٫۷
۵	رشد اقتصادی	-۲٫۴	۷٫۴	۳٫۲	۵٫۲	۱٫۶
۶	رشد اقتصادی (بدون نفت)	-۰٫۶	۷٫۱	۴٫۰	۵٫۷	۲٫۷
۷	تولید سرانه	-۵٫۸	۵٫۳	۱٫۷	۳٫۷	-۰٫۹
۸	درآمد سرانه	-۱۰٫۳	۱۰٫۷	۱٫۰	۵٫۵	-۱٫۲
۹	درآمد ملی	-۷	۱۳٫۰	۲٫۵	۷	۰٫۴

گزارش مرکز مطالعات و تحقیقات اقتصادی، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۸۲، ص ۳۱

حمایتی از قشرهای کم درآمد در آن بود. در مجموع، برنامه تعدیل موفق به برقراری قیمت‌های واحدی در بازارها نشد و افزایش مستمر نرخ ارز نگرانی از احتمال تحمیل تورم بالای اقتصادی را ایجاد کرد که سرانجام موجب توقف سیاست‌های تعدیل اقتصادی در ۱۳۷۳ ش شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸ ش، ج ۴، ص ۲۰-۲۱؛ نیلی، ص ۳۵۹-۴۰۱).

برنامه اول در ۱۳۷۲ ش به پایان رسید. سال ۱۳۷۳ ش به مطالعه و ارزیابی عملکرد برنامه اول اختصاص یافت و بدین ترتیب برنامه دوم برای دوره پنج ساله ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ ش تهیه شد. برنامه دوم توسعه، با هدف کمی رسیدن به نرخ رشد متوسط سالانه ۵٫۱٪، از ۱۳۷۴ ش به اجرا گذاشته شد (ایران). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۹). در این برنامه نرخ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی ۴٫۳٪، صنعت و معدن ۵٫۹٪ و خدمات ۳٫۱٪ در سال پیش‌بینی شده بود (سهمان، ص ۱۱۴). در سال‌های اولیه برنامه دوم، قیمت جهانی نفت سقوط کرد و دستیابی به اهداف برنامه را با مشکل مواجه ساخت. اهداف و سیاست‌های اعلام شده در سند برنامه دوم مبتنی بر آزادسازی و خصوصی‌سازی شرکتها و واحدهای صنعتی دولتی بود، اما به سبب شرایط داخلی و بین‌المللی این امر امکان‌پذیر نشد؛ لذا در اجرای برنامه دوم، در راهبردهای اعلام شده اساساً تغییر داده شد (سهمان، ص ۱۰۹؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸ ش، ج ۴، ص ۱۶، ۲۰، ۲۵؛ زلفی، ص ۷۶) و روند آزادسازی برنامه

اول، ادامه نیافت. ایجاد مجموعه‌ای از نظام‌های نظارت اقتصادی (شامل نظام چند نرخ ارز، برقراری مجدد نظارت قیمت‌ها، نظارت بر واردات و اعمال سیاست انقباضی پولی) از نشانه‌های این تغییر راهبردی بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸ ش، ج ۴، ص ۲۰-۲۱؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اداره کل روابط عمومی، ص ۳۶-۳۷). در آغاز برنامه دوم (۱۳۷۴ ش) سهم بخش‌های کشاورزی، صنایع و معادن، خدمات و نفت، در تولید ناخالص ملی به ترتیب ۱۸٫۴٪، ۱۷٫۵٪، ۴۸٫۱٪ و ۱۶٫۷٪ بود که این میزان در ۱۳۷۸ ش (پایان برنامه) به ۱۵٫۱٪، ۱۸٫۷٪، ۵۳٫۲٪ و ۱۴٪ تغییر یافت. در این میان، بر سهم بخش‌های صنایع و معادن و خدمات در تولید ناخالص ملی، افزوده شد. سهم درآمدهای حاصل از نفت در تولید ناخالص ملی، به سبب کاهش شدید قیمت‌ها، در ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ش کاهش یافت. با بروز خشکالی در دو سال آخر این برنامه، تولیدات کشاورزی و سهم آن در تولید ناخالص ملی کشور نیز کاهش شدیدی پیدا کرد (سهمان، مرکز جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، جدول ۱۶).

عملکرد برنامه دوم نشان می‌دهد که میانگین رشد تولید ناخالص داخلی، ۳٫۲٪ در سال بوده که با اهداف برنامه، مبنی بر رشد حدود ۵٫۱٪ به‌طور متوسط در هر سال، فاصله دارد. نیلی به رشد اقتصادی مطلوب در برنامه دوم، مستلزم سرمایه‌گذاری در زمینه‌های جدید اقتصادی بود اما بروز بحران بدهیهای ارزی در

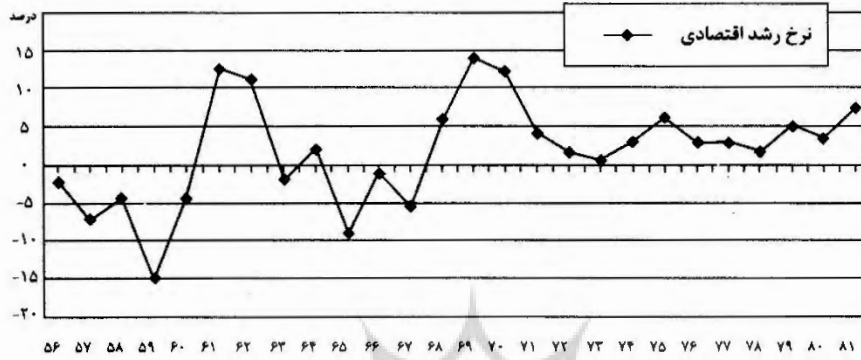
توسعه

۵۱۷

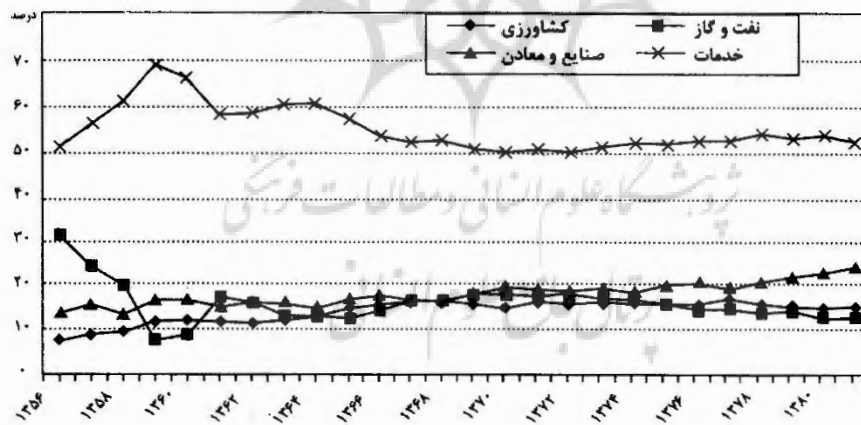
نفت خام» نگهداری نماید (همان، ص ۴۳).
 در این برنامه میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ۶٪ و رشد آن بدون نفت ۶٫۶٪ پیش‌بینی شده، در حالی که متوسط عملکرد رشد اقتصادی در برنامه دوم، حدود ۳٫۲٪ بوده است. برای رسیدن به رشد اقتصادی ۶٪ در برنامه سوم نیاز به میانگین رشد سالانه سرمایه‌گذاری کل به میزان ۷٫۱٪ (۸٫۵٪ بخش خصوصی و ۵٪ بخش دولتی) است، اما متوسط عملکرد سرمایه‌گذاری کل در برنامه دوم حدود ۱٫۸٪ بوده است. از دیگر اهداف مهم برنامه سوم، کاهش روند فزاینده بیکاری است. برنامه سوم قرار است به‌طور متوسط سالانه حدود ۷۶۵۰۰۰ شغل جدید ایجاد کند، به‌طوری‌که در سال پایانی برنامه سوم (۱۳۸۳ ش) نرخ بیکاری به ۱۰٫۵٪ برسد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۵۰، ۳۹۰).
 در ۱۳۸۱ ش، به‌دنبال اجرای برنامه سوم توسعه، ارزش افزوده بخش کشاورزی ۱۰٪ رشد کرده که در مقایسه با رشد آن در ۱۳۸۰ ش (۴٫۲٪)، افزایش چشمگیری داشت. در این سال سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی به‌قیمت جاری ۱۱٫۷٪ بود که در مقایسه با ۱۳۸۰ ش، ۱٪ کاهش داشت. در ۱۳۸۱ ش ارزش افزوده بخشهای صنعت و معدن برترتیب ۱۱٪ و ۱۲٪ نسبت به سال ۱۳۸۰ ش افزایش داشت. سهم بخش صنایع و معادن در تولید ناخالص ملی ۱۸٫۵٪ بود که در مقایسه با سال قبل، حدود ۲٪ کاهش داشت. در این سال سهم نفت در تولید ناخالص ملی ۲۲٫۱٪ رسید که در مقایسه با میزان مشابه در سال قبل، حدود ۷٪ افزایش یافته بود. سهم بخش خدمات در ۱۳۸۱ ش در تولید ناخالص ملی، ۴۸٫۹٪ بود که نسبت به سال قبل ۴٪ کاهش داشت (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیهای اقتصادی، ۱۳۸۲ ش، ص ۸۷-۲۰).
 طی ۲۵ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رشد متوسط سالانه بخش کشاورزی ۴٫۴٪، بخش نفت و گاز ۲٫۳-٪، صنایع و معادن ۳٫۸٪ و خدمات ۱٫۷٪ بوده است. در این دوره، رشد اقتصادی ۱٪ بوده است که رشد چندانی به‌شمار نمی‌آید، ضمن آنکه روند ثابتی نیز نداشته است (جدول ۱؛ نیز - جمهوری اسلامی ایران*).

در مورد تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری در کشور، از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ ش به‌سبب کاهش استفاده از ظرفیتهای تولیدی موجود، افزایش هزینه‌های دولت به علت بروز جنگ و یارانه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری اندکی صورت گرفت. در دوره برنامه اول به لزوم افزایش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی توجه شد. برنامه دوم با استفاده از تجربه برنامه اول بیشتر بر منابع داخلی سرمایه‌اتکا کرد و با وجود مشکلاتی مانند تورم و خشکسالی و بحران نفت در سالهای

اوایل برنامه دوم و لزوم صرفه‌جویی در مصارف ارزی، عدم ثبات در سیاست‌های پولی و مالی و ارزی، کاهش قیمت نفت و خشکسالی در اکثر استانهای کشور باعث محقق نشدن اهداف برنامه دوم شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اداره کل روابط عمومی، ص ۳۷؛ نیز - جدول ۱ و نمودار ۱ و ۲).
 از اواسط برنامه دوم (۱۳۷۶ ش)، دوره ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی آغاز شد و برنامه ساماندهی اقتصادی، برای تثبیت اوضاع اقتصادی، در چارچوب برنامه دوم تهیه و اجرا گردید که مهمترین اهداف آن عبارت بودند از: ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری، مهارکردن تورم، حفظ قدرت خرید مردم و تأمین حداقل معیشت آنها، کاهش وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمد حاصل از صدور نفت، تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری، لغو انحصارات اقتصادی و بهبود بخشیدن به نواز پرداخت ارزی کشور (ساماندهی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۵۷؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰ ش، ص ۸۷-۸۸).
 سومین برنامه توسعه اقتصادی در ۱۳۷۹ ش با هدف اصلاح ساختار اقتصادی و فراهم ساختن زمینه برای توسعه پایدار، به اجرا گذاشته شد. یکی از مهمترین جهت‌گیریهای برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳ ش)، اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی، برای افزایش کارایی دولت است. در این برنامه، اصلاح ساختار اداری کشور، واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی و حذف انحصارات دخانیات، قندوشکر، چای، راه‌آهن، پست و مخابرات پیش‌بینی شده است (جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اداره کل روابط عمومی، ص ۳۸). تمرکززدایی از ساختار اداری کشور نیز از اهداف این برنامه است که از طریق استقرار نظام درآمد - هزینه استانی صورت می‌گیرد. بر این اساس، استانها اجازه خواهند داشت برای تجهیز منابع، تأمین درآمد و تخصیص آن اقدام کنند (ایران، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۰-۵۷).
 به‌سبب اهمیت مقابله با بیکاری، برنامه سوم سیاستهای ویژه‌ای را پیش‌بینی کرده است، از جمله جمع‌آوری افراد خارجی فاقد پروانه کار، تخفیفهای مالیاتی و بیمه‌ای برای کارفرمایان و افزایش آموزش مهارتهای فنی و حرفه‌ای (همان، ص ۳۷-۳۹).
 برنامه سوم مقرر کرد که به‌منظور سرمایه‌گذاری عواید نفتی در طول برنامه سوم، دولت سالانه به‌طور متوسط ۱۱٫۳ میلیارد دلار از درآمد حاصل از صادرات نفت خام را در بودجه هزینه کند و مازاد بر آن را در حساب جداگانه‌ای نزد بانک مرکزی به نام «حساب ذخیره ارزی حاصل از درآمد



نمودار ۱- رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۳۶ ش



نمودار ۲- مقایسه سهم بخشهای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی (درصد و به قیمت ثابت سال ۱۳۳۶ ش)

«قدی بر دیدگاه برنامه دوم توسعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۸، ش ۹ و ۱۰ (خرداد و تیر ۱۳۷۳)؛ سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه: برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، ج ۱، پوست شماره ۲ لایحه برنامه، تهران ۱۳۷۸ ش الف؛ هم، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۹-۱۳۸۳، ج ۴: گزارش عملکرد چهار سال اول برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، تهران ۱۳۷۸ ش ۳؛ سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، سابقه برنامه ریزی در ایران، تهران ۱۳۷۷ ش؛ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارش عملکرد دولت: ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، تهران ۱۳۸۰ ش؛ هم، لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، تهران ۱۳۸۲ ش؛ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، اداره کل روابط عمومی، گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۶-۱۳۸۱)، تهران ۱۳۸۳ ش؛ ساماندهی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷ ش؛ سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲ ش؛ مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور: ۱۳۸۱، تهران ۱۳۸۲ ش؛ مسعود نیلی، تحلیل عملکرد سیاست‌های تعدیل اقتصادی، در اقتصاد ایران، تدوین و تنظیم مسعود نیلی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۳۷۶ ش؛ Jahangir Amuzegar, "Iran's economy and the US sanctions", *The Middle East journal*, vol.51, no.2 (Spring 1997); idem, *Iran's economy under the Islamic Republic*, London 1997; "Human development reports: indicators. Iran, Islamic Rep of, HDI Rank: 101", *UNDP Website*. [Online]. Available: <http://hdr-undp.org/statistics/data/cty/cty f IRN.html>. [14 Aug. 2004]; "Iran, Islamic Rep. at a glance", *World Bank*, 3 Sept. 2003. [Online]. Available: <http://www.worldbank.org/data/countrydata/aag/irn-aag.pdf>. [14 Aug. 2004].

/ سیدحسین سیرجیلی /

(ب) جهان عرب. اندیشه اقتصادی معاصر عرب، در شکلها و مکتبهای متفاوت، ترجمه و اقتباس اندیشه‌های غربی بوده و هنوز به حد ابتداع و رفع مشکلات کشورهای عرب، به شیوه‌ای مستقل، نرسیده و هویتی مستقل پیدا نکرده است. بنابراین، می‌توان مکتب و جریانهای اندیشه اقتصادی غرب را به وضوح در آن مشاهده نمود، مکتبی از قبیل کینزی، شوکلاسیک، ساختارگرایی (اسریکای لاتین) و مارکسیسم

(عبدالقضیل - ۱۹۸۵-۱۹۷۵). اندیشه توسعه اقتصادی در اقتصاد توسعه نیز در آغاز ظهور، پس از جنگ جهانی دوم آدنباله‌رو جریانهای غربی بود. نخستین تجربه‌های آن در ۱۳۳۷ ش/ ۱۹۵۸ و هم‌زمان با اتحاد مصر و سوریه و نیز کودتای ۱۳۳۷ ش/ ۱۹۵۸ در عراق، صورت پذیرفت. بدین ترتیب، در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ ش/ ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، اغلب کشورهای عربی، مرحله توسعه مبتنی بر طرحهای نامنظم را پشت سر گذاشتند و در جهت اقتصاد برنامه‌ریزی شده، به صورت آهبردی میان مدت گام برداشتند. این موضوع هم‌زمان شد با رشد نسبی نوشته‌های اقتصاددانان عرب درباره مفاهیم و شیوه‌های برنامه‌ریزی توسعه. اگر چه این نوشته‌ها، تبلور کاملی از ادبیات اقتصادی معاصر درباره برنامه‌ریزی توسعه بود، اما از درون مشکلات و واقعیتهای جهان عرب برخاسته بود و بدون در نظر گرفتن پیچیدگیهای ساختاری این کشورها، راهکار مناسبی نیز عرضه نمی‌کرد (همان، ص ۶۷، ۷۰-۷۲). به تعبیر دیگر، اندیشه اقتصادی عرب، در توسعه و برنامه‌ریزی نیز اندیشه‌ای بیرو و ملهم از غرب بود و جز برخی نمونه‌ها کمتر توانست به ارائه الگویی بومی دست یابد. بنابراین، می‌توان گفت به رغم نیاز ضروری کشورهای عربی، «مکتب عربی» در مقایسه با مکتب دیگری همچون مکتب ساختارگرایی و مکتب هندی در توسعه، هنوز به طور جدی نتوانسته است فهمی بومی از علل عقب ماندگی و تحلیل جدیدی در حوزه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی ارائه کند (همان، ص ۱۷۷-۱۷۸).

به گفته عبدالعالم صکبان، اقتصاددان عرب، اندیشه توسعه اقتصادی عرب تا امروز از سه مرحله گذشته است: (۱) دوره طرفداران تجارت آزاد که معتقد بودند توسعه و تکامل از طریق آزادی تجارت حاصل می‌شود، (۲) دوره صنعت‌گرایان که را توسعه را صنعتی شدن می‌دانستند، (۳) دوره سرمایه‌محوران که به سرمایه‌گذاری در طرحهای مشترک گرایش دارند و اکنون نیز نقش اصلی برعهده آنهاست (به دلیل، ص ۲۹). اما جهان عرب در زمینه توسعه و بویژه توسعه اقتصادی از دیدگاهی دیگر دارای گروهبندی دوگانه‌ای است. این دو گروه شامل طرفداران توسعه کشورمحور (قطری) و طرفداران توسعه قومی است. طرفداران توسعه کشورمحور - که در دهه ۱۳۴۰ ش/ ۱۹۶۰ توانمند بودند - بر آن‌اند که توسعه اقتصادی بر اساس وحدت اقتصادی جهان عرب امکان‌پذیر نبوده و روندی درونی داشته است (همان، ص ۲۸-۲۹؛ عبدالمنعم سیدعلی، ص ۲۳). در برابر، به باور طرفداران توسعه قومی، که اکنون نیز در اکثریت‌اند، تجربه‌های مبتنی بر وحدت، موفقتر از تجربه‌های واگرایانه عمل کرده و وحدت عرب، تأثیر بسیاری بر تلاشهای توسعه و به طور عام بر خیزش و پیشرفت اجتماعی داشته و هرگونه برنامه‌های جز